

رضا گوران؛ کارگردان «سرکوب» در گفت و گو با «صبا»:

# فکرم را به تصویر کشیده‌ام

فاطمه رستمی  
گفت و گو

فیلم سینمایی «سرکوب» به کارگردانی رضا گوران با بازی رویا افشار، باران کوثری، الهام کردا، سارا بهرامی و جمشید هاشم پور به تازگی اکرانش را شروع کرده است. این فیلم داستان لذت مبارزه با رنج است؛ رنجی که به نظر می‌رسد جزیی جدانشدنی از هستی انسان هاست. بارضا گوران در مورد این تجربه گفت و گویی داشتیم که می‌خوانید.



فیلم بود.

شما در نمایش‌هایی که روی صحنه برده‌اید، بارها زنان و موضوعات پیرامون آن‌ها را مورد توجه قرار داده‌اید و همیشه به خوبی آن‌ها را پر و بال می‌دهید. در فیلم «سرکوب» هم چندین کاراکتر زن کنار هم هستند و به نظر می‌رسد باز هم این کار را ادامه داده‌اید. در مورد این ویژگی در فیلم «سرکوب» بگویید.

فکر می‌کنم نسبت به تئاترهایی که به صحنه برده‌ام، در فیلم «سرکوب» پرداخت به زنان کمتر بوده و اتفاقاً مردان پررنگ‌تر هستند و فقط حضور فیزیکی ندارند. در طول این درام در مورد کاراکتر مرد صحبت می‌کنیم. در ادبیات هم فقدان پدر باعث آغاز درام می‌شود و در بیشتر نمایشنامه‌های بزرگ این اتفاق افتاده مثل روح پدر «هملت» که قصه بعد از مرگ پدر «هملت» آغاز می‌شود.

آیا پیشینه تئاتری شما باعث شده است که در فیلم‌تان اهالی تئاتر را گرد هم جمع کنید؟

فکر می‌کنم غیر از خانم رویا افشار که تماماً تئاتری محسوب می‌شود هر چند کارهای تصویری زیادی کرده‌اند، بقیه بازیگرهای ما از هنرمندان تصویری هستند. من فکر می‌کنم مهم این بود که بازیگرانم درک کنند چه می‌خواهم و فکر می‌کنم آن‌ها بهترین خودشان را ارائه دادند. این گروه بسیار همراه و درجه یک بودند. امروز دیگر نمی‌توان بازیگر تئاتری و غیر تئاتری را تقسیم‌بندی کرد. ستاره‌های سینما در تئاتر وارد شده‌اند و بالعکس و فکر می‌کنم بازیگر باید در هر دو فضا خوب بازی کند و اگر نمی‌تواند در مدیوم خاصی موفق ظاهر شود، باید از نظر فن بازیگری روی خودش کار کند.

ظواهر فیلم احساس تماشای تئاتر یا تله تئاتر را به مخاطب منتقل می‌کند. آیا این نوع طراحی صحنه و شکل دادن به قاب‌ها خواسته

اگر دقت کنید آدم‌ها شاید کنار هم بنشینند، اما سرشان داخل گوشی است و خیلی وقت است که گفت و گو کردن به معنای واقعی از دست رفته و فرصت نداریم واقعاً باهم باشیم. این نکات برآیند جامعه‌ای است که نه به سمت معاصر شدن حرکت می‌کند، نه سنت‌هایش را دارد و نه حتی استحاله‌ای بین این دو را به وجود آورده‌اند و فقط شاهد به هم ریختگی هستیم. این آشفتگی جامعه در آثار هنرمندان هم وارد می‌شود و وقتی فکر می‌کنیم می‌بینیم گسست پیوندها در زندگی واقعی ما جریان دارد.

شاید در نگاه اول مخاطب احساس کند با فیلم رئالی رویه‌رو است، اما «سرکوب» ویژگی‌هایی دارد که به ما می‌گوید با اثری کاملاً رئال رویه‌رو نیستیم مثل پایان‌بندی فیلم یا صحنه‌هایی که بازیگران دوربین را نگاه می‌کنند و... با توجه به این نکات آیا «سرکوب» فیلم رئالی است؟ در مورد ساختار این فیلم توضیح دهید.

یکی از دلایلی که بازیگرها به دوربین نگاه می‌کنند این بود که احساس کنیم زاویه دید دوربین در واقع نگاه پدر است و می‌خواستیم از دوربین و اکشن‌های انسانی ببینیم. نگاه بازیگران به دوربین در واقع نگاه به جای فرضی شخصیت «پرویز» است. انگار دخترها پدرشان را در صحنه‌های مختلف می‌بینند.

با توجه به سوابق تئاتری شما، ممکن است بین فیلم «سرکوب» و نمایشنامه «سه خواهر» چخوف ارتباطی پیدا کنیم؟

این فیلم با قصه «سه خواهر» ارتباطی ندارد، اما من از این نمایشنامه تأثیر زیادی گرفته‌ام و مدت زیادی همین نمایشنامه را تمرین کردم. شاید وجود سه خواهر در فیلم برآمده از «سه خواهر» چخوف باشد، اما ربط مستقیمی بین این دو اثر وجود ندارد. کاراکترهای خواهر در فیلم ما مثل نمایشنامه نیستند و اتفاقاً رنج و سختی را نپذیرفته‌اند و فعال هستند و می‌جنگند. لذت مبارزه با رنج، محوریت اصلی ساخت

در فیلم «سرکوب» مادری را می‌بینیم که در دوران پیری دچار آلزایمر شده و به سبب این بیماری ویژگی‌های رفتاری خاصی دارد. او در صحنه‌هایی که خودگویی دارد به زبان مادری حرف می‌زند و در دیالوگ‌گویی زبانش فارسی می‌شود. در مورد ویژگی‌های این شخصیت که بیمار هم هست بگویید.

مادر در فیلم «سرکوب» به زبان ترکی قشقایی حرف می‌زند که برای خودم نوستالژی زیادی دارد. وقتی کسی آلزایمر می‌گیرد چیزهایی به یاد می‌آورد که ممکن است باعث تعجب همه شود. در واقع ذهن با این کار سعی دارد خودش را پیدا کند. در فیلم لحظات خیلی شخصی وجود دارد و مادر با زبان مادری‌اش حس می‌کند به چیزهای تازه‌ای می‌رسد. کاراکتر مادر برای من ادای دینی به مادر بزرگم بود البته او بیماری آلزایمر نداشت، اما به این دلیل که ترکی حرف می‌زند و کودکی‌های من با او گذشت این ویژگی در فیلم مستتر است و از او وام گرفته‌ام.

در فیلم «سرکوب» بیماری آلزایمر و اختلال اوتیسم مطرح می‌شود. در مورد استفاده از این مشکلات که امروز در جامعه زیاد از آن صحبت می‌شود بگویید.

اوتیسم اختلال رفتاری است و اوتیسمی‌ها اختلالاتی مثل ساکت بودن، حرکات تکراری و... دارند. مادر جامعه زندگی می‌کنیم و برای بیان واقع‌گرایانه جامعه در دل فیلم نمی‌توانیم واقعیت‌هایی مثل اوتیسم یا آلزایمر را حذف کنیم و این مشکلات به هر حال وجود دارد. در این فیلم می‌بینیم که افراد ارتباط درستی باهم ندارند و در جامعه هم این واقعیت را می‌بینیم و این فضاها را در فیلم هم وارد کردم.

در فیلم افرادی را می‌بینیم که نسبت‌های قراردادی باهم دارند، اما در حقیقت گسسته هستند و پیوند حقیقی بین آن‌ها برقرار نیست. فکر می‌کنید این شخصیت‌ها برای مخاطب تا چه اندازه باورپذیرند؟

خودتان بود؟

وقتی کاری در یک لوکیشن شکل می‌گیرد همه می‌گویند تئاتر است. فضای فیلم «سرکوب» براساس نقاشی‌های ادوارد هاپر است. در آثار او سبکی به اسم غم نوستالژیک وجود دارد. این غم همراه با شادی است و چون نقاشی‌های هاپر به خواست ما نزدیک بود با طراح صحنه و لباس تصمیم گرفتیم به این فضا نزدیک شویم. من نمی‌خواستم در سینما فیلمی بسازم که نه خاصیت داشته باشد نه تازگی! بلکه من جهان خودم را خلق می‌کنم البته آماده هر نوع نقدی هستیم. این سینمای من است و فکرم را به تصویر کشیده‌ام پس شبیه به هیچ کس نیست.

در فیلم از جغرافیای این خانواده و زمان و مکان داستان خیلی باخبر نمی‌شویم. چطور به چنین قصه‌ای رسیدید و چرا نمی‌خواستید درگیر زمان و مکان داستان شویم؟

این ما هستیم که به جغرافیا هویت می‌دهیم یا برعکس. من نیازی نمی‌دیدم که از جغرافیا و زمان و مکان حرف بزنم. جدال با فقدان گسترده‌تر از محدود شدن در جغرافیا است. چیزی که مخاطب باید بداند این است که قصه در جغرافیای ایران و حتماً در شهری بزرگ اتفاق می‌افتد.

با سال‌ها سابقه تئاتری و ساخت فیلم نیمه‌بلند و حالا فیلم سینمایی «سرکوب» که در حال اکران است، فکر می‌کنید بعد از این کارگردانی تئاتر و سینما را چطور دنبال خواهید کرد؟

هر دو برای من ارزشمند است. تئاتر خانه‌ای است که من در آن تربیت شده‌ام و سینما هم خانه‌ای است که فعلاً تصمیم گرفته‌ام در آن اقامت داشته باشم.